

رسانه

روزنامه‌نگار و شبه‌روزنامه‌نگار



پژمان موسوی

● جامعه‌ای ایرانی این روزها درگیر مسائل مختلفی است؛ مسائل ریز و درشتی که هر کدام جامعه هدفِ مشخصی دارند و طبعاً بخشی از مردم را درگیر خود می‌کنند. اما یک مسئله همه‌گیر است: فقدان مرجعیت رسانه‌ای رسانه‌های رسمی؛ مسئله‌ای به‌ظاهر تخصصی که برخلاف تصور عموم، نه فقط اهالی رسانه که همه افراد جامعه را درگیر خود و به صورتی پنهان، همه لایه‌های جامعه را متأثر کرده است. اما مرجعیت رسانه‌ای چیست و خطری که این روزها مرجعیت رسانه‌ای رسانه‌های رسمی را تهدید می‌کند، کدام است؟ معنای ساده این مسئله این است که این روزها مرجعیت رسانه‌ای از رسانه‌های رسمی و حرفه‌ای به رسانه‌های غیررسمی و عموماً غیرحرفه‌ای تغییر کرده است. علت هم مشخص است: کم‌رنگ‌شدن فعالیت‌های حرفه‌ای رسانه‌های مکتوب در کنار افزایش تعداد شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های بی‌شناسانه یا کانال‌هایی که یک یا دو نفر آنها را اداره می‌کنند، سپهر رسانه‌ای ایران را دچار تغییر و تحولی معنادار کرده است؛ تحولاتی که از مسائل کلان سیاسی تا مسائل کوچک به‌ظاهر بی‌اهمیت را دربر گرفته و می‌رود دانفقه مردم را با تغییر و تحولی اساسی رویه‌ور کند. در بروز این مسئله دو عامل بیش از همه نقشی تعیین‌کننده داشته است: عملکرد صداوسیما و ظهور به‌اصطلاح خبرنگارانی در فضای مجازی که همه‌چیز هستند جز خبرنگار و به همه چیز تعهد دارند جز به کار حرفه‌ای و رسانه‌ای؛ این خبرپارها و روزنامه‌نویس‌ها، جز به حاشیه به هیچ کار دیگری تعهد ندارند و اساساً هم به دنبال واقعیت و کنکاش در درستی یا نادرستی اخبار و اطلاعات منتشرشده در رسانه‌های خود نیستند و فقط به «جنجال» می‌اندیشند. برای این افراد و رسانه‌ها، آبروی افراد و اعتبار حرفه، در درجه آخر اهمیت قرار دارد و از آنجا که در این حوزه، کمترین آموزش حرفه‌ای هم ندیده و با الفبای آن هم آشنا نیستند، این کار را در بدترین شکل ممکن انجام می‌دهند و نتیجه هم همانی می‌شود که نباید: اعتبار روزنامه‌نگاری حرفه‌ای زیر سؤال می‌رود و جامعه ایرانی اعتماد خود را به کل جامعه روزنامه‌نگاران ایرانی از دست



می‌دهد. از دست‌رفتن «اعتماد» هم یک دلیل بیشتر ندارد: کسی که «اعتبار» ندارد و «حرفه‌ای» کار نمی‌کند، اساساً چیزی به نام «تعهد» ندارد. همین فقدان «تعهد» هم هست که سبب تمایز فعالان فضای مجازی با روزنامه‌نگاران حرفه‌ای است. «تعهد»، اعتبار روزنامه‌نگاری است و کار حرفه‌ای در حوزه رسانه، بی‌وجود آن، اساساً یک چیز خیلی بزرگ کم دارد؛ خیلی هم پیچیده نیست این کلمه چهار حرفی؛ هر روزنامه‌نگاری در قبال مخاطبانش یک‌سری تعهدات دارد، تعهد دارد جز حقیقت را نگوید، تعهد دارد دروغ نگوید و با اعتبار افراد بازی نکند، تعهد دارد کار حرفه‌ای کند و به روزنامه‌نگاری نه به عنوان حرفه‌ای صرفا برای گذران امور که به صورت حرفه‌ای تماماً مسئولیت‌آور و در خدمت جامعه نگاه کند، تعهد دارد «شنیده‌ها» را به عنوان «خبر» منتشر نکند و با آنها موج‌سواری نکند، تعهد دارد افکار و اندیشه‌هایش را در کار حرفه‌ای دخیل نکند و بر اساس آن کینه‌ورزی نکند، تعهد دارد جز برای «آزادی» نکوشد و بالاخره هم اینکه تعهد دارد به همه لوازم این حرفه «متعهد» باشد و مگر جز تعهد و اخلاق است حرفه‌ای که هویت و خاستگاهش را اخلاق حرفه‌ای شکل داده است و خیمه‌رایه آن را حقیقت‌جویی؟

در این شرایط، جدی‌ترین پرسش محل بحث، ریشه‌های بحران بی‌اخلاقی در برخی رسانه‌ها و چگونگی کم‌رنگ‌کردن آن است؛ اینکه در واقع اعتبار روزنامه‌نگار و خبرنگار به چیست و چگونه می‌توان خبرنگاران حتی آنانی که به‌ظاهر کار خبرنگاری می‌کنند اما نزد مردم به «خبرنگار» تعریف می‌شوند را به «تعهد»، متعهد کرد؟ تبعات بی‌اعتبارکردن روزنامه‌نگاری در ایران چیست و چگونه می‌توان راه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و متعهد را از راه «شبه‌روزنامه‌نگاری» جدا کرد؟ در آسیب‌شناسی این پدیده کدام علت‌ها مقدم هستند و کدام علت‌ها معلول آن مقدمات؟ روزنامه‌نگاران چگونه می‌توانند در واقع به اصول کار حرفه‌ای متعهد بمانند؟ اینها و سؤالاتی از این دست، بهانه خوبی برای تفکر است؛ برای اندیشیدن به راه‌های برون‌رفت از وضعیت فعلی روزنامه‌نگاری ایران. وضعیتی که فقط یک خط نازک بین روزنامه‌نگاران رسمی و حرفه‌ای با فعالانی است که فعالیت رسانه‌ای دارند اما به هیچ‌یک از اصول روزنامه‌نگاری پایند نیستند. بنیاید به این «تفاوت» فکر کنیم.

شترت روزنامه

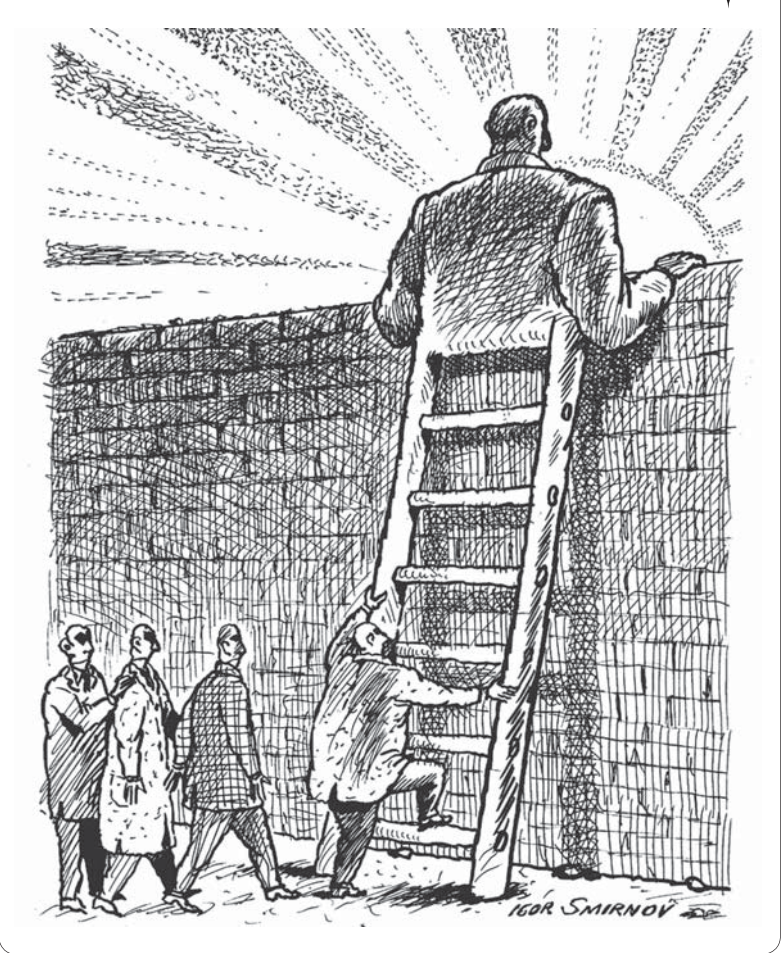
www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۸ | ۲۱ صفر ۱۴۴۱ | ۲۰ اکتبر ۲۰۱۹ | سال هفدهم | شماره ۳۵۵۳ | ۱۶ صفحه | اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ | اذان مغرب ۱۷:۴۲ | اذان صبح فردا ۴:۵۲ | طلوع آفتاب ۶:۱۶

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

ایگور اسمیرنوف



اندکی آرامش

ما، امنیت و خوشبختی

پروفسور مایکل ناگلر - شقایق عطار

آیا به دنبال خوشبختی هستید؟ ما برای شاد و خوشبخت‌بودن به امنیت نیاز داریم. اما چگونه می‌توانیم صلح و امنیت را برقرار کنیم؟ همه روز، پیام‌های بسیاری از طریق رسانه‌ها دریافت می‌کنیم که به ما می‌گویند «که هستیم» و «چه چیزی باعث ایجاد امنیت و شادی در ما می‌شود؛ پیام‌هایی با این مضامین: «خوشبختی= مصرف‌گرایی» و «امنیت= مجازات مجرمان». ما این را «روایت‌کهنه» می‌نامیم که تصویری ناامیدکننده از بشر ارائه می‌دهد... اما آیا این نوع از روایت نتیجه‌بخش است؟ آیا حقیقتاً مصرف‌گرایی باعث ایجاد شادی در ما می‌شود؟ آیا مجازات و انتقام امنیت را برای ما به ارمغان می‌آورند؟ پاسخ این سؤالات منفی است. مطالعات نشان می‌دهند هنگامی که افراد «نیازهای اولیه» خود را برطرف‌شده ببینند، دیگر ثروت بیشتر نه فقط سبب شادی بیشتر در آنها نمی‌شود، بلکه از میزان آن نیز می‌کاهد! و از سوی دیگر تعداد بالای افراد در بند به بروز جرائم بیشتری منجر می‌شود. همان‌طور که یک فرمانده عراقی حاضر در جنگ اظهار کرده است: «ما با عملکرد خود سبب افزایش سرعت عمل تروریست‌ها در مقابل حودمان شده‌ایم. خبر خوب آنکه در ۳۰ سال اخیر، علم روایت بهتر و متفاوت‌تری را ارائه داده است. برای مثال، مغز انسان هنگامی که عملی را از روی خیرخواهی و فداکاری برای دیگران انجام می‌دهد به وی پاداش می‌دهد که این امر حس عمیق معناداریون و رضایت‌مندی را که کلید اصلی خوشبختی است به وی پیشکش می‌کند. در حقیقت، ارتباط عمیقی بین ما و حس همدلی وجود دارد و روح و قلب ما عمیقاً نسبت به کارها، افکار و عواطف دیگران واکنش نشان می‌دهد، ما بیش از آنچه

پرنده آبی

منتشرشده در اینستاگرام است. کاربران زن اینستاگرام تنها ۲۷ درصد از محتوای تولیدشده در مورد اربعین را تولید کرده‌اند. این در حالی است که سهم مشارکت کاربران زن توئیتر در موضوع اربعین ۵۱ درصد بوده است. این آمار نشان می‌دهد کاربران زن توئیتر دغدغه بیشتری در زمینه این موضوع خاص داشته‌اند. در هر دو پلتفرم اینستاگرام و توئیتر بیش از ۸۰ درصد کاربران تمایل به سفر مجردی داشته‌اند. ۲۰ درصد کاربران اینستاگرام از ۱۵ درصد کاربران توئیتر ترجیح داده‌اند به صورت خانوادگی در این رویداد شرکت کنند.

عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

درست یادم نیست ولی حدود اواخر سال‌های ۸۰ بود که او را برای اولین و آخرین بار دیدم، مردی کوچک، اندام کمی چاق و به جلو خم‌شده، بدون لرزش و سفتی در حرکت، اما ناگاهی نگران و متاسف و چهره‌ای منقبض و مغبون. گلابیهی پرترکار داشت از اجرائشدن آثارش، به‌ویژه از اپرای مانا و مانی (۱۳۵۷) و خسته از وعده‌های به‌عمل درنیامده مقامات ذی‌ربط و آرزوهای بر زمین‌مانده و بر آورده‌نشده. او حسین دهلوی بود، آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان بزرگ ایرانی. از وقتی خود را شناخته بود، عاشقانه در پی عظمت و بزرگی‌بخشیدن به موسیقی ایرانی از راه چندصدایی و ارکستره‌کردن آن و پیوندش با موسیقی کلاسیک غرب بود. دیدن چنین مرد بزرگی در چنین حالتی مستأساب و درهم‌شکسته، به عنوان یکی از مراجعان بیمار معرفی‌شده به مطب، مرا هم به‌طور فلج‌کننده‌ای غافلگیر کرد. مدتی به او خیره شدم، نمی‌دانستم درماندگی خود را چگونه درمان کنم. به عنوان عضوی از یک جامعه و ملتی که به آن متعلق هستم، از برخورد با چهره این مرد بزرگ موسیقی کشورم که شرایط این چنین اورا درهم‌شکسته و مغبون کرده بود، شدیداً احساس شرمساری و سرافکندگی می‌کردم. سعی کردم بر احساسات منفی خود غلبه کنم و تلاش هم کردم تا توجهش را به دست‌یافته‌های بزرگ زندگی‌اش جلب کنم و سؤالات کنجکاوانه‌ای از موفقیت‌های گذشته‌اش در موسیقی را پیش بکشم و از افتخاری که نصیب من شده تا با

مغز اجتماعی -۸۷-

به یاد حسین دهلوی

گم‌شدن در خود و از خویش ناپیداشدن

شگفت‌انگیز از حسین دهلوی گوش کرده‌ام و هر بار از تکرار شنیدنش شوریدهام. دهلوی در این قطعه با ارکسترآسیون بی‌تغییر خود، گویبی دردی جمعی و تاریخی تکرار شونده و هر بار کشفانده‌تر و عمیق‌تر را بر مدارهای مغزی ما به جریان در می‌آورد و بر خوشتن انسانی ما نهیب می‌زند که گشایشی برای رهایی بجوئیم. دهلوی همین کار خلاقانه را در جوانی روی قطعه قاسم‌آبادی صبا در «سبکبال» انجام داده است. عدم احترام به نبوغ موسیقایی دهلوی مایه شرمساری است. شاید به همین علت بود که در سال‌های بعد از اولین و آخرین دیدارم با دهلوی به جای دیدن او، به موسیقی او گوش دادم. اما همیشه نگران این بوده‌ام نکند در پس افسردگی شدید او غول بی‌شاخ و دم آلزایمر خفته باشد تا در فرصت مناسب مغز خلاق بی‌کارمانده او را بجود. این نگرانی شوم به واقعیت پیوست، او مبتلا به زوال عقل (الزایمر) شد؛ همان آفتی که موجب کم‌شدن او در خود و ناپیداشدن در خوشتن او شد. اما همچنان من شرمسار، جرئت دیدار او را نداشتم و ترجیح می‌دادم به آوای «فروغ عشق» او با صدای عمیق و پردرد حسین شرشار گوش کنم که او نیز همچون سازنده اثر قربانی زوال عقل شد. پس از این وقایع بود که این بیت عطار در فروغ عشق برای من معنایی گسترده‌تر و نورلوئژیک پیدا کرد: «گم شدم در خود چنان کز خویش ناپیدا شدم- شب‌بمی بودم در غرقه دریا شدم...». این شاید صدای ناگفته و ناشنوده مغزهای خلاق باشد که با فروپاشیدن‌شان در درون بدن سالم، از آن‌سوی ناممکن‌ها از دردی نورلوئژیک برای انسان‌های امروزی می‌گویند. شکی نیست یاد حسین دهلوی در آثار موسیقایی او ماندگار خواهد ماند.

تلنگر

اطلاع‌رسانی درباره ایدز را فراموش نکنیم

باشد. از آنجا که اغلب معتادان تزریقی، اصول بهداشتی را رعایت نمی‌کنند و از یک سرنگ و سوزن تعداد زیادی به‌صورت مشترک استفاده می‌کنند؛ بنابراین خطر انتقال ویروس در این گروه بسیار زیاد است و یکی از شایع‌ترین راه‌های انتقال ایدز در بعضی کشورهای از جمله کشور ما اعتیاد تزریقی است. راه دیگر انتقال از مادر به جنین است. بیشترین احتمال انتقال از مادر آلوده به کودک در اواخر زمان بارداری و خصوصاً هنگام زایمان و هنگام شیردهی اتفاق می‌افتد. تماس جنسی راه دیگر انتقال این عفونت است. یکی از مایعات بدن که حاوی تعداد زیادی گلبول سفید است، ترشحات جنسی است؛ پس ترشحات جنسی در فردی که ویروس اچ‌آی‌وی وارد بدنش شده، آلوده به این ویروس است و در صورتی که این ترشحات وارد مخاط تناسلی فرد سالم شود می‌تواند باعث انتقال ویروس شود. توجه کنید این خطر برای همه افراد وجود دارد؛ مثلاً اگر مردی اعتیاد تزریقی داشته باشد و از آن طریق آلوده به ویروس اچ‌آی‌وی شده باشد، همسر او نیز هنگام تماس جنسی می‌تواند به این ویروس آلوده شود. مطلع باشیم‌که این عفونت از طریق تماس‌های عادی مثل کارکردن با یکدیگر، هم‌صحبت‌شدن، همسفریون، دست‌دادن، بوسیدن، روابط اجتماعی مثل سوارشدن در اتوبوس و تاکسی، استفاده از حمام عمومی، استخر و توالت، لباس، پوشاک، پتو و رختخواب قابل انتقال نیست. در نظر داشته باشیم‌که عطسه، سرفه و حتی نیش حشرات نیز نمی‌تواند باعث انتقال آلودگی به شخص سالم باشد. آنچه لازم است افراد مبتلا به عفونت ایدز درنظر داشته باشند اینکه هم با راه‌های انتقال این عفونت آشنا باشند تا ازطریق آنان به دیگران منتقل نشود و هم کسانی که با آنها سروکار دارند با مراکزی که به آنها خدمات می‌دهند با احتیاطات استاندارد آشنا باشند و آنها را رعایت کنند. نباید افرادی را که با این عفونت زندگی می‌کنند، از جمع کنار زد و به‌صورت ایزوله نگه داشت که انجام این کار خطای بزرگی است، بلکه باید مثل همه مردم فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی و... خود را ادامه دهند.

تجربه دیگران



پیوست، پیش‌تر حساب کاربری توئیترش نزدیک به ۹ میلیون دنبال‌کننده داشت. در همان سال، واتیکان برنامه خود - «کلیک برای نابیش» - را با سه‌بار یادآوری روزانه راه‌اندازی کرد. سال گذشته، واتیکان حتی از یک بازی با الهام از بازی بسیار محبوب «پوکمون گو» رونمایی کرد. کاربران به‌جای جمع‌کردن شخصیت‌های پوکمون، به سؤالات فلسفی پاسخ می‌دهند تا مقدسین و مردم را از مدل تجاری دیزنی است، اطلاع داده‌اند؛ برنامه‌ای که اجازه می‌دهد محتوای مذهبی راحت‌تر به اشتراک گذاشته شود.

ابتلای خود آگاه نبودند؛ بنابراین تحت مراقبت و درمان قرار ندارند. با توجه به اینکه «اچ‌آی‌وی» یک بیماری مزمن عفونی است، تشخیص هرچه سریع‌تر آن به روند کنترل بیماری کمک بسزایی می‌کند. وقتی فرد تحت مراقبت و درمان قرار گیرد از یک طرف عوارض بیماری به حداقل رسیده و می‌تواند زندگی عادی با طول عمر تقریباً طبیعی داشته باشد و از طرف دیگر با درمان مؤثر، تعداد ویروس در خون او به اندازه‌ای پایین خواهد آمد که قابلیت انتقال به دیگران را نخواهد داشت. راه‌های انتقال این عفونت متعدددند؛ خون و فرآورده‌های آن یکی از این راه‌ها است. هرگاه خون فردی آلوده به ویروس باشد درصورتی‌که به خون فرد دیگری وارد شود، می‌تواند بیماری را انتقال دهد که تزریق با سرنگ آلوده و مشترک از جمله این راه‌ها است. این حالت ممکن است در زمان انتقال خون نیز اتفاق بیفتد؛ گرچه درحال‌حاضر در اکثر کشورهای دنیا، از جمله در ایران، تمام خون‌های اهدایی از نظر احتمال آلودگی به ویروس اچ‌آی‌وی ارزیابی می‌شوند و در صورت آلوده‌بودن استفاده نمی‌شوند و این خطر به حداقل ممکن می‌رسد، اما به هر روش دیگری اگر خون آلوده به ویروس وارد خون فرد سالم شود می‌تواند آلودگی را منتقل کند که این حالت در زندگی روزمره و معمولی با رعایت اصول بهداشتی به‌ندرت اتفاق می‌افتد؛ برای مثال اگر فردی که آلوده به ویروس اچ‌آی‌وی است با یک سرنگ، تزریقی انجام دهد و با همان سرنگ و سوزن که آغشته به خون آن فرد است بافلاصله به فرد دیگری تزریق کند؛ به‌گونه‌ای که خونی که در سرسوزن با سرنگ است وارد خون فرد شود، ویروس اچ‌آی‌وی می‌تواند منتقل شود؛ به همین ترتیب، هر جسم برنده و نوک‌تیزی که آغشته به خون آلوده به ویروس اچ‌آی‌وی است، درصورتی‌که موجب ایجاد خراش یا بریدگی در بدن فرد سالم شود می‌تواند سبب انتقال بیماری شود؛ بنابراین اعمالی مانند خال‌کوبی، حجامت، سوراخ‌کردن گوش، ختنه، اعمال جراحی و خدمات دندان‌پزشکی اگر با وسایل غیراستریل و آلوده به خون انجام شود، می‌تواند از راه‌های انتقال بیماری

سیدحسن موسوی‌چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

یکی از اخباری که این روزها زیاد شنیده شده و هنوز هم ادامه دارد و به نظر می‌رسد تا زمان روشن‌شدن دقیق این اتفاق همچنان ادامه داشته باشد، موضوع مربوط به اتفاقات روستای چنارمحمودی لرگ‌دار در استان چهارمحال‌وختباری است که توجه‌ها را به اچ‌آی‌وی و ایدز بیشتر کرد. براساس آخرین گزارش برنامه مشترک ملل متحد در زمینه ایدز (UNAIDS)، ۳۶۰۷ میلیون نفر در دنیا به اچ‌آی‌وی/ ایدز زندگی می‌کنند که از این میان ۲۰۱ میلیون نفرشان به‌تازگی شناسایی شده‌اند. همچنین طبق آمار ارائه‌شده ازسوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور (رئیس اداره ایدز) کل موارد ثبت‌شده این بیماری از ابتدا تا کنون ۳۹۹ هزار و ۵۴۹ نفر بوده‌اند که مرگ ۱۸ هزار و ۱۱۹ نفر آثبات ثبت شده است. طبق این آمار حدود ۵۰ درصد کل موارد شناخته‌شده در زمان تشخیص نیز در گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال بوده‌اند. درباره دلایل ابتلا نیز می‌توان اشاره کرد که در بین کل مواردی که از سال ۶۵ تا کنون در کشور به ثبت رسیده است، به ترتیب تزریق با وسایل مشترک در مصرف‌کنندگان مواد (۶۰٫۸ درصد)، رابطه جنسی (۲۱٫۶ درصد) و انتقال از مادر به کودک (۱٫۶ درصد) بوده است. البته براساس آمارهای ارائه‌شده در موارد تفاوت میزان تخمین از افراد مبتلا به ایدز و سوزن یا سرنگ است و در مجموع از میان افراد مبتلا به ایدز، زنان ۱۸ درصد را شامل می‌شوند و بقیه مردان هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کل کشور ۲۰۰ مرکز برای آموزش، پیشگیری، کنترل و درمان ایدز فعال است که به افراد خدمات ارائه می‌دهند. یکی از چالش‌های موجود تفاوت میزان تخمین از افراد مبتلا به ایدز و کسانی است که برای دریافت خدمات درمانی مراجعه می‌کنند. در واقع فقط یک‌سوم مبتلایان طبق تخمین از وضعیت ابتلای خود آگاه شده‌اند و بقیه از جدیدی را نیز همراه خود دارد. در اینجا ما فقط یک مصرف‌کننده صرف نیستیم، بلکه قسمتی از یک روند وجودی مؤثر هستیم. در نهایت آنچه حقیقتاً باعث شادمانی ما می‌شود، یافتن موهبت‌های درون ما و پیشکش کردن آنها به دنیاست.

یک‌تسیبح‌الکترونیک

پاپ فرانسیس به‌عنوان یک چهره مدرن که تغییر را در برنامه‌های خود قرار داده و هرچند وقت یک‌بار با سخنان و عملکرد خود شکل دیگری از توجه به مسیحیت و کاتولیک را نشان می‌دهد، این‌بار به سراغ استفاده از تکنولوژی و ابزار مدرن رفته است. درواقع واتیکان امیدوار است با یک تسبیح سبب‌سنیدنی با نام «eRosary» جوانان دوستدار فناوری را به دعا و نیایش تشویق کند. این ابزار، ۱۱۰ لاری را می‌توان به‌عنوان یک دستبند پوشید و بعد از کشیدن صلیب به ایلکیکشن مربوط به آن برای دعا با تسبیح الکترونیک وصل شد. این وسیله قرار است با تسبیحی برای جوانان و تأمل درباره دین و انجیل باشد. ۱۰ مهره عقیق سیاه و یک سنگ دیگر در این دستبند قرار دارد و پیشرفت کاربر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. البته سال‌ها پیش تعداد زیادی ایلکیکشن درباره قرآن و دعا‌های مختلف در جهان تکنولوژی تعریف شده است و به بهترین شکل فرصت ارتباط با خداوند را فراهم می‌کند. معرفی